

برخی از فرایندهای واجی در ترکی بیجار

دکتر عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

سید حسین رضویان

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

مقاله حاضر به توصیف و تحلیل برخی از فرایندهای واجی پربسامد در زبان ترکی بیجار، بر اساس گونه زبانی روستای "اوچگنبد سلطان" می پردازد. بدین منظور، از چهار گویشور زبان ترکی بیجار و ضبط چهار ساعت مکالمه و طرح پرسشنامه از پیش تعیین شده بر مبنای مطالعه گویش ها استفاده شده است. همچنین یکی از نگارندگان به عنوان یک گویشور ترک زبان، از صحت اطلاعات کسب شده اطمینان حاصل کرده است. هماهنگی واکه ای در پسوند جمع / $\lambda\{p\}$ و / λAp و در پسوند مصدر ساز / $\lambda A\lambda$ و / $\lambda\lambda$ ، همگونی بین همخوان و واکه، هماهنگی واکه ای به هنگام افزودن پسوند ماضی ساز، تبدیل همخوانهای بی واک به واکدار و درج واکه میان خوشه همخوانی پایانی در کلمات قرضی ترکی از مهمترین فرایندهایی است که در این مقاله، با ارائه شواهد کافی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و قاعده مربوط به هر فرایند، عنوان می شود.

داده ها و قواعد ارائه شده، به منظور تأیید و اثبات این مطلب به خدمت گرفته می شوند که فرایندهای واجی مذکور، در زبان ترکی بیجار وجود دارد و مشخصه های شرکت کننده در هر فرایند، به تنهایی و مستقل از سایر مشخصه ها، در فرایندهای واجی شرکت می کنند.

واژگان کلیدی: هماهنگی واکه ای، همگونی، درج، اصل سلسله مراتب رسایی

۱- مقدمه

روستای "اوچگنبد سلطان" در ۸۰ کیلومتری شمال شرقی در استان کردستان واقع شده است. ساکنین این روستا و چندین روستای اطراف آن به لهجه ای از زبان ترکی سخن می گویند که در کنار چند لهجه شبیه به هم نام "ترکی بیجار" بر آن نهاده شده است.

تحقیق حاضر به توصیف و بررسی چند فرایند واجی در زبان ترکی بیجار، بر اساس گونه زبانی مردم روستای اوچگنبد سلطان می پردازد. این کار به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده و علاوه بر منابعی که در بخش کتابنامه می آید، پیکره زبانی بر اساس راهنمای پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نوروزی زیدهی، ۱۳۸۲، بخش ضمیمه) و واژگان دیگر، تهیه و مورد استفاده قرار گرفته است. در تهیه پیکره زبانی مذکور از چند گویشور بومی روستای اوچگنبد سلطان استفاده شده است.

۲- زبان ترکی و ترکی بیجار

زبان ترکی "Turkish" در تقسیم بندی زبانها بر مبنای ساختمان کلمات، یک زبان پیوندی "agglutinative" به شمار می رود (کاتامبا، ۱۹۹۳، ص ۵۷) و به طور خاص، یک زبان پیوندی پسوندی است. (محمد نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۸) ویژگی ساختوازی زبان ترکی که در گروه زبانهای پیوندی رده بندی می- شود بدین قرار است که یک واژه می تواند از توالی تعدادی تکواژ ساخته شود و مرز بین تکواژها در واژه مشخص است. (روحانی، ۱۳۷۸، ص ۹) مثال :

$\{\lambda - \lambda\{\rho - I\mu$ دستهای من

برای من- نشانه جمع - دست

بر اساس آرایش جمله نیز زبان ترکی از الگوی SOV پیروی می کند. (همان، ص ۱۰) مثال :

$h\{\sigma\{v \ \pi I \Sigma I \square I \ \omega M \rho \delta M$ حسن گربه را زد.
S O V فاعل مفعول فعل

عده ای از زبان شناسان، بر اساس نظریه آلتایی "Altaic theory" زبان ترکی را به همراه زبانهای مغولی "Mongolian" و تونگوزی "Tungus" از خانواده زبانهای آلتایی می دانند (کلوسون، ۲۰۰۲، ص ۲۱۵). زبان ترکی، رایج ترین و شاخص ترین عضو این خانواده زبانی است. ترکی را آلتایی غربی می نامند و مغولی و تونگوزی را آلتایی شرقی می نامند. (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۰، ص ۸) ترکی در شبه جزیره بالکان، ترکیه، ایران، قفقاز، جمهوریهای آسیای مرکزی، شمال غربی چین و منطقه سیبری رایج است. تقریباً پنجاه میلیون نفر در سراسر دنیا به زبانهای ترکی تکلم می کنند. (کریستال، ۱۹۸۹، ص ۴۴۴) "هیئت" (۱۳۶۶، ص ۲۹۸) تعداد زبانهای ترکی رایج در دنیا را بیش از ۲۶ زبان می داند و آنها را بر می شمرد. از مهم ترین زبانهای ترکی می توان به ترکی ترکیه، ترکی آذربایجانی (آذری)، ترکی ترکمنی و ترکی ازبک اشاره کرد. "هیئت" زبان آذری را بر اساس جدایی کشور آذربایجان و آذربایجان ایران، به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم می کند. آذری شمالی، مربوط به کشور آذربایجان و آذری گروه جنوبی، شامل لهجه های تمامی مناطق ترک نشین ایران، از جمله استانهای آذربایجان غربی، شرقی، اردبیل، زنجان و قزوین است. بر این اساس، زبان ترکی بیجار یکی از شاخه های آذری جنوبی به شمار می رود. (هیئت، ۱۳۶۶، ص ۳۱۳)

"رضایی باغ بیدی" (۱۳۸۰، صص ۸ و ۹) زبانهای ترکی رایج در ایران را اینگونه تقسیم بندی می کند:

- ۱-۲- ترکی آذری یا آذربایجانی (به خصوص در استانهای آذربایجان غربی، شرقی، اردبیل و زنجان)
 - ۲-۲- ترکی افشاری (به خصوص در استانهای فارس، کرمان و خراسان)
 - ۳-۲- ترکی خراسانی (به خصوص در شهرهای اسفراین، بجنورد، درگز، سبزوار، شیروان، قوچان، کلات نادرو نیشابور)
 - ۴-۲- ترکمنی (به خصوص در شمال استانهای مازندران، گلستان و خراسان)
 - ۵-۲- خلجی (در استان مرکزی، به خصوص در اطراف ساوه)
- بر اساس این تقسیم بندی، ترکی بیجار شاخه ای از ترکی آذری به شمار می رود.

شهرستان بیجار در شمال شرقی استان کردستان قرار دارد. بیش از نیمی از جمعیت شهرستان، از جمله مردم شهر بیجار به زبان کردی تکلم می کنند، ولی در یکی از بخشهای شهرستان به نام حسن آباد یاسوکند (jAcyx{vδ)، به دلیل همسایگی با استانهای ترک زبان زنجان و آذربایجان غربی، زبان ترکی رایج است.

به این گونه از زبان ترکی که در شهرستان حسن آباد و اطراف آن رایج است، ترکی بیجار گفته می شود. در واقع ۱۳۵ آبادی از شهرستان بیجار، زبان ترکی دارند. (هیئت، ۱۳۶۶، ص ۳۰۹) روستای اوچگنبد سلطان با حدود ۳۰۰ نفر سکنه، یکی از روستاهای ترک زبان بخش حسن آباد می باشد که شغل مردم آن عموماً کشاورزی و دامداری است.

تا آنجا که نگارندگان اطلاع یافته اند، جدا از کتابهای موجود درباره بخشهای مختلف زبان ترکی آذری، پایان نامه های فراوانی نیز درباره آن به رشته تحریر در آمده است. (ر.ک. ناصح، ۱۳۸۰، ص ۴۳). در باب واج شناسی زبان ترکی آذری، حسابگر (۱۳۷۰) کاری در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد ارائه داده است که بیشتر مربوط به آواشناسی و مباحث آواشناختی است. همچنین مریمی (۱۹۹۵) در مورد مقایسه نظام آوایی ترکی آذری و فارسی، پایان نامه خود را نوشته است که کاری قابل استفاده است. در کتابهای مختلف درباره زبان ترکی نیز مطالبی درباره واج شناسی وجود دارد، اما کتابی به زبان فارسی درباره واج شناسی زبان ترکی وجود ندارد.

علیرغم تشابهات فراوانی که بین آواهای ترکی استانبولی و ترکی آذری وجود دارد، تفاوتیایی نیز موجود است. به عنوان نمونه، کنستویچ "Kenstowicz" (۱۹۹۴، ص ۲۵)، لاس "Lass" (۱۹۹۸، ص ۱۴۵)، لاینز "Lyons" (۱۹۶۲، ص ۱۲۹)، کرنفیلد "Kornfilt" (۱۹۸۷، ص ۶۲۹) هشت واژه برای زبان ترکی استانبولی و وزین پور (۱۳۴۸، ص ۵) و مریمی (۱۹۹۵، ص ۶۳) نه واژه برای زبان ترکی آذری بر می شمارند. در مورد همخوانهای زبان ترکی آذری نیز اتفاق نظر وجود ندارد. به عنوان نمونه، وزین پور (ص ۵) و حسابگر (ص ۵۶) تعداد همخوانهای ترکی آذری را بیست و یک و مریمی (ص ۵۱) بیست و دو همخوان می دانند.

ترکی بیجار در برخی از آواها با ترکی آذری متفاوت است و همین امر، کار را متفاوت می - کند. وجود واج /Γ/ در مجموعه واجهای ترکی آذری وعدم وجود همین واج در ترکی بیجار (در ترکی بیجار /Γ/ واجگونه ای از /□/ است)، همچنین تفاوت در تولید آواهای (ج) /dZ/، (چ) /tΣ/، (ق) /□/ در ترکی بیجار و آذری، از موارد اختلافی اند که می توان به آنها اشاره کرد. در مورد واج شناسی ترکی بیجار، منبع مکتوبی مشاهده نشد و پیکره زبانی چهار ساعت ضبط صدا از اهالی روستای اوچگنبد برای تشخیص آواها و بررسی فرایندهای واجی به کار گرفته شد. در اینجا از همکاری تمامی گویشوران شرکت کننده در مقاله حاضر سپاسگزاری می شود.

در نهایت، تعداد بیست و یک همخوان و نه واژه ساده در ترکی بیجار شناسایی شد. واژه مرکب در ترکی بیجار وجود ندارد. در ادامه، به بررسی برخی از فرایندهای واجی در ترکی بیجار پرداخته می شود.

۳- ارائه و تحلیل داده ها

در این قسمت، ابتدا مجموعه داده ها و سپس تحلیل آنها ارائه می شود. هر مجموعه دارای یک یا چند فرایند واجی است که پس از ارائه، تحلیل و بررسی شده و قاعده مخصوص آن عنوان خواهد شد. قبل از اینکه داده ها و تحلیل آنها ارائه شود، ضروری است تا به جدول واکه های ترکی بیجار نگاهی بیاندازیم.

جدول واکه های ترکی بیجار

[- پسین]		[+ پسین]	
	[+ گرد]	[- گرد]	[+ گرد]
[+]	I	M	U
	ψ		افراشته
	9		o
			افراشته
			افتاده
[+]	{	A	افتاده

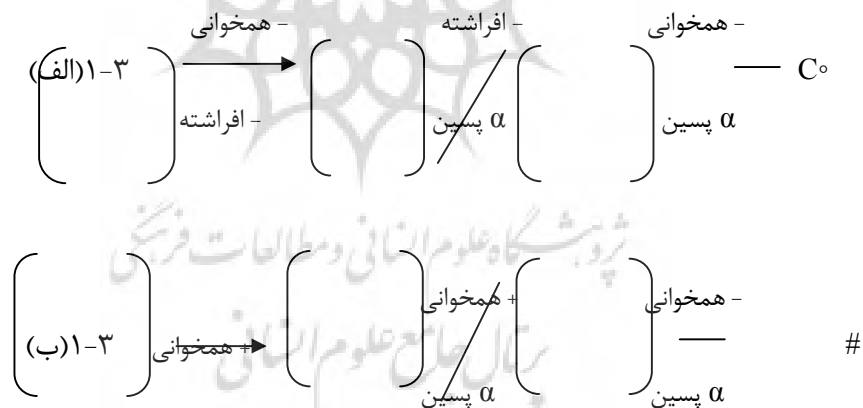
همانطوری که در جدول فوق نشان داده شده است، واکه های ترکی بیجار در مقایسه با ترکی استانبولی، از لحاظ درجه افراستگی متفاوت اند، بدین صورت که در ترکی بیجار، واکه ها دارای سه درجه افراستگی است، در حالیکه در ترکی استانبولی، واکه ها دو درجه افراستگی دارند. احتمالاً این تفاوت در ترکی بیجار، به تأثیر از فارسی پدید آمده است.

۳-۱- داده های مربوط به پسوند مصدر ساز

/χ{σ-μεχ/	بریدن	/σIλ-μεχ/	تمیز کردن
/δ{λ-μεχ/	سوراخ کردن	/τΣIμ-μεχ/	شنا کردن
/Iτ{λ{-μεχ/	هُل دادن	/φI-μεχ/	خوردن
/φAτ-μAξ/	خوابیدن	/υτΣ-μAξ/	پريدن
/φAv-μAξ/	سوختن	/φυμ-μAξ/	بستن مشد دست
/σAφ-μAξ/	شمردن	/φυ-μAξ/	شستن
/τψΣ-μεχ/	افتادن	/ωMρ-μAξ/	زدن
/□ψλ-μεχ/	خندیدن	/δZMρ-μAξ/	پاره کردن

/σψρτ-μεχ/	مالیدن	/δZMξ-μΑξ/	خراشیدن
/□9ρ-μεχ/	دیدن	/□opξ-μΑξ/	ترسیدن
/σ9χ-μεχ/	شکافتن	/oλ-μΑξ/	شدن (گشتن)
/σ9ϑ-μεχ/	فحش دادن	/oξo-μΑξ/	خواندن

در مجموعه داده های فوق، پسوندهای مصدرساز /-mec/ و /-max/ به کار رفته است. بررسی داده های این مجموعه نشان می دهد که هماهنگی واکه ای (vowel harmony) بین واکهٔ پسوند مصدرساز و واکهٔ ستاک وجود دارد. علاوه بر آن، همگونی بین واکه و همخوان پسوند نیز وجود دارد. در مورد بیشتر پسوندهای ترکی، ارزش مشخصه های [پسین] و [گرد] با توجه به ارزش این مشخصه ها در واکهٔ ستاک، تعیین می شود. (کنستویچ، ۱۹۹۴، ص ۲۵). به عبارت دیگر، در واژه های اصیل ترکی، واکه های پسین و واکه های پیشین با هم به کار نمی روند. واکه های گرد و غیر گرد نیز به همین صورت عمل - می کنند. (لاور، ۱۹۹۵، صص ۷-۳۸۶). در دو مجموعه فوق، ابتدا واکهٔ پسوند در مشخصه [پسین]، خود را با واکهٔ ستاک، هماهنگ کرده و سپس، همخوان پسوند در مشخصه [پسین]، خود را با واکهٔ پسوند همگون می سازد، بدین صورت که با واکهٔ [-پسین] همخوان لثوی - کامی /c/ و با واکهٔ [+پسین] همخوان ملازی /x/ به کار می رود. "به فرایند اخیر، همگونی همخوان با واکه گفته می شود که ممکن است از نوع پیشرو یا پسرو باشد." (حق شناس، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴) پس، دو قاعده زیر را خواهیم داشت:



قاعده (۱-۳) قسمت (الف) نشان می دهد که واکهٔ پسوند در مشخصه [پسین] با واکهٔ ستاک هماهنگ می شود و قاعده (۱-۳) قسمت (ب) نیز همگونی بین همخوان پسوند را در مشخصه [پسین] با واکهٔ پسوند نشان می دهد. بنابراین، با توجه به قواعد بالا صورت اشتقاقی /c{s-mec/ "بریدن" از زیرساخت تا روساخت، به این صورت می باشد:

/#c{s-MEC#/

بازنمایی زیرساختی

قاعده هماهنگی واکه ای (در مشخصهٔ پسین)
 قاعدهٔ همگونی همخوان با واکه
 بازنمایی روساختی
 MEC- / به صورت واج شامل (Archiphoneme) نوشته شده، زیرا مشخص نیست صورت
 زیرساختی پسوند مصدرساز به صورت /-mAx/ یا /-mec/ است.

۲-۳-۲- داده های مربوط به پسوند جمع و اضافی

۲-۲-۳	۱-۲-۳
راه /φoλ/ →	پشتم /δAλ-Mμ/
کار /IΣ/ →	شوهرم /{ρ-Iμ/
گاو /μAλ/ →	چشمم /□9ζ-ψμ/
تیر /oξ/ →	مویم /τψχ-ψμ/
دختر /□Mζ/ →	خونم /□Av-Mμ/
ته /δIβ/ →	سرم /βAΣ-Mμ/
باد /φελ/ →	گردنم /βoφv-υμ/
بو /□oξo/ →	دندانم /δIΣ-Iμ/
عروسی /εoφ/ →	پایم /□MtΣ-Mμ/
شب /εδZ/ →	علفم /oτ-υμ/
مو /τψχ/ →	نفسم /v{φ{σ-Iμ/
چشم /□9ζ/ →	راهم /φoλ-υμ/
بچه /υΣAξ/ →	حرفم /σ9ζ-ψμ/
دنبه /πI/ →	رانم /βυδ-υμ/
خشک /□υρυ/ →	زبانم /δIλ-Iμ/
تخم مرغ /φυμoρτA/ →	دخترم /□Mζ-Mμ/
	زنبیلم /σ{λ{-μ/
	زخمم /φApA-μ/
	بویم /□oξo-μ/

تکواژ جمع در ترکی بیجار به دو صورت /-I{r/ و /-IAr/ ظاهر می شود. داده های ۲-۳-۲ هماهنگی واکه ای را در مشخصهٔ [پسین] بین واکهٔ پسوند و واکهٔ ستاک نشان می دهد، بدین صورت که واکهٔ موجود در پسوند جمع، خود را با واکهٔ ستاک در مشخصهٔ [پسین] هماهنگ می کند و داده های ۳-۲-۱ هماهنگی واکه ای را در هنگام افزودن پسوند اضافی مالکیت نشان می دهد. لازم به ذکر است که پسوند اضافی به دو شکل آشکار می شود. به عنوان مثال، در مورد پسوند اول شخص مفرد، یکی به

/□9□/	آسمان	/σψμψχ/	استخوان
/φ{χ{/	بزرگ	/A□Mζ/	دهان
/□oξμυΣ/	گندیده	/ψρεχ/	دل
/ {ρχεχ/	نر	/o□λAv/	پسر
/□υλAξ/	گوش	/υΣAξ/	بچه
/□{λ-μεχ/	آمدن	/σAl-μAξ/	انداختن
/χ{σ-μεχ/	بریدن	/περ-μεχ/	دادن

بررسی داده های ۳-۳ نشان می دهد که نوعی همگونی بین چهار همخوان افراشته □/،/χ/،/□/،/ξ/ و واکه ها در ترکی بیجار صورت می گیرد. این همگونی در مشخصه [پسین] می باشد. بدین صورت که در یک کلمه، همخوانهای □/ و /ξ/ با مشخصه [+پسین] با واکه های [+پسین] و همخوانهای □/ و /χ/ با مشخصه [-پسین] با واکه های [-پسین] همراه می شوند. این همخوانها ممکن است قبل یا بعد از واکه بیایند، یعنی این همگونی به صورت پیشرو یا پسرو وجود دارد. در داده های ۳-۳-۱ همگونی همخوان با واکه، از نوع پسرو و در داده های ۳-۳-۲ این همگونی، از نوع پیشرو می باشد که به ترتیب در مثالهای /τoξδAξ/ و /χIμ/ صدق می کند. بنابراین، قاعده های زیر وجود خواهد داشت :

$$C^{\circ} \left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{+} \\ \alpha \text{ پسین} \end{array} \right) \rightarrow \left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{+} \\ \alpha \text{ پسین} \end{array} \right) / \left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{-} \\ \alpha \text{ پسین} \end{array} \right) \text{ (الف) } 3-3$$

$$\left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{-} \\ \alpha \text{ پسین} \end{array} \right) C^{\circ} \rightarrow \left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{+} \\ \alpha \text{ پسین} \end{array} \right) / \left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{-} \\ \alpha \text{ پسین} \end{array} \right) \text{ (ب) } 3-3$$

قاعده ۳-۳(الف) در مورد همگونی پسرو و قاعده ۳-۳(ب) در مورد همگونی پیشرو صدق می کند.

۳-۴- داده های مربوط به درج واکه

۳-۴-۲

همراه با درج

طبل /τ{βIλ/
سطل /σ{τIλ/
شکل /ΣIχIλ/

قبر /□{βIρ/
شهر /Σ{η{ρ/
عطر /{τIρ/

۳-۴-۱

بدون درج

برق /β{ρ□/
نطق /vot□/
فرق /φ{ρ□/
نفت /v{φτ/
شرط /Σ{ρτ/
واکس /ϖAχσ/

عقد / {□δ}	شانس / ΣΑνσ	شکر / Σψχψρ	عقل / {□Ιλ}
نقد / ν{□δ}	قرص / □ορσ	صبر / σ{βΙρ}	میل / μοβολ
کارد / χΑρδ	فارس / φΑρσ	چتر / τΣ{τΙρ}	شخم / Σοξομ
مفت / μοφτ	رنگ / ρ{ν□}	مهر / μψηψρ	فیلم / φΙλΙμ
بخت / β{ξτ}	چسب / τΣ{σβ}	عمر / νμψρ	تخم / τοξομ
ضبط / ζ{βτ}	بانک / βΑνχ	فکر / φΙχΙρ	طلسم / τΙλΙσΙμ

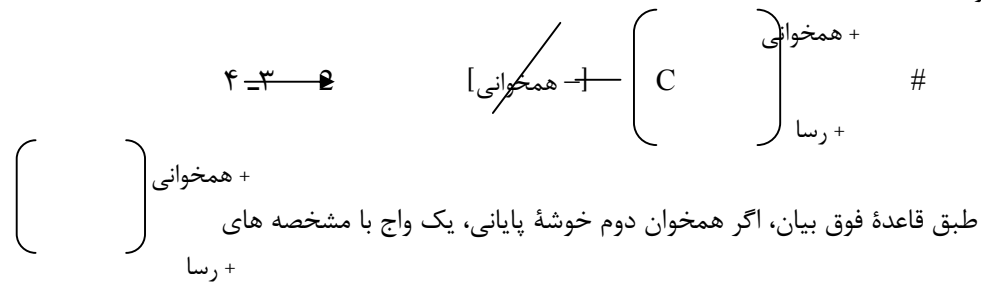
آرایش همخوانها و واکه در یک هجا، بر اساس قواعد ساخت هجا در یک زبان صورت می گیرد. با هم آیی (combinatory) همخوانها در یک هجا، از قواعد ساخت هجا در زبان پیروی می کند. در هر زبان، محدودیت هایی بر ساخت هجا حاکم است که در زبان دیگر، این محدودیت ها متفاوت می باشد. از این رو، آرایش همخوانها در یک هجا، از زبانی به زبان دیگر فرق می کند و واج آریایی (phonotactic) به عنوان پارامتر (parameter) در زبان مطرح می شود که از قواعد خاص زبان پیروی می کند. هجا حداقل از یک "هسته" (nucleus) تشکیل شده است که در همه زبانها در ساخت هجا وجود دارد. قبل از هسته "آغاز" (onset) و بعد از آن "پایانه" (coda) می تواند به کار رود که تعداد همخوانهای موجود در آغاز و پایانه، از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. (کامبوزیا، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵)

داده های مجموعه ۳-۴ فقط از کلماتی انتخاب شده اند که از زبان فارسی وارد ترکی بیچار شده و دارای خوشه پایانی اند. (البته ممکن است برخی از این واژه ها کلمات اصیل فارسی نباشند و از زبانهایی مانند عربی وارد فارسی شده باشند، با این حال این کلمات از زبان فارسی وارد زبان ترکی بیچار شده اند). با این کلمات قرضی در زبان ترکی بیچار، به دو گونه رفتار می شود. برخی از آنها همان ساختار هجایی را حفظ کرده اند و خوشه همخوانی پایانی، دست نخورده باقی مانده است که مجموعه ۳-۴-۱ شامل این کلمات است، اما برخی دیگر، با درج واکه در بین خوشه پایانی تلفظ می شوند. لازم به ذکر است که ساخت هجایی ترکی به صورت (χ)ϖ(χ(χ)) است و خوشه همخوانی در ابتدای هجا وجود ندارد. (مریمی، ۱۹۹۵، صص ۸۵ و ۸۶)

از مطالعه این دو گروه کلمات با دو نوع ساخت هجایی، چنین دریافت می شود که آرایش همخوانها در خوشه همخوانی پایانه متفاوت است و "اصل سلسله مراتب رسایی" (sonority hierarchy principle) در این تقسیم بندی هجا دخالت دارد. بر طبق این اصل، خوشه های همخوانی آغاز به سمت هسته رسایی (Sonority) می یابند و خوشه های همخوانی پایانه هر چه از هسته دورتر می شوند، رسایی آنها کمتر می شود (کنستویج، ۱۹۹۴، ص ۲۵۴). درجه رسایی به ترتیب از واکه ها، غلت ها، روان ها و خیشومی ها به سمت همخوانهای گرفته (obstruent) کاهش می یابد، به طوری که واکه ها رساترین و همخوانهای گرفته از کمترین درجه رسایی برخوردارند. (ر.ک. کامبوزیا، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷، نمودار ۳) با توجه به اصل سلسله مراتب رسایی، هر جا که همخوان دوم در خوشه همخوانی پایانه دارای مشخصه [+رسا] است و همخوان اول [-رسا]، معمولاً درج واکه صورت می گیرد. در مواردی که

همخوان اول از خوشه دو همخوانی دارای مشخصه [+رسا] و همخوان دوم [-رسا] است، این درج اتفاق نمی افتد. علت این امر، رعایت قاعده رسایی در این گونه خوشه های همخوانی است، بنابراین، نیازی به درج واکه نیست.

پس، برای داده های مربوط به درج واکه و تقسیم یک هجا به دو هجا در یک واژه قاعده زیر به کار می رود:



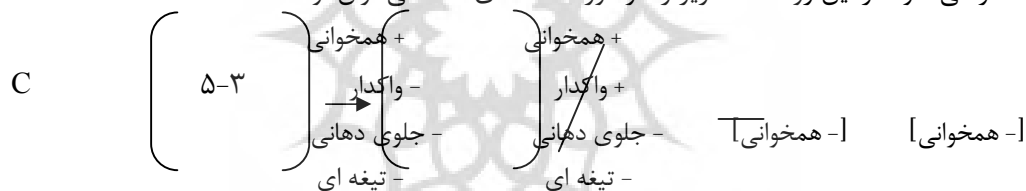
یعنی مانند /m/ /l/ /r/ باشد، یک واکه میان خوشه دو همخوانی درج می شود. معمولاً این واکه تکرار واکه ماقبل در کلمه می باشد. چنانچه عضو پایانی خوشه همخوانی دارای مشخصه [-رسا] باشد درج واکه انجام نمی گیرد.

۳-۵- داده های مربوط به تبدیل همخوانهای بی واک به واکدار

شلوغ /ΣυλυΓ-Αμ/	→	شلوغ هستم /ΣυλυΓ-Αμ/
گوش /□υλαΓ-Μμ/	→	گوشم /□υλαΓ-Μμ/
برای چشمه /βΜλαΓ-Μν/	→	برای چشمه /βΜλαΓ-Μν/
برای چلاق /τΣολαΓ-Μν/	→	برای چلاق /τΣολαΓ-Μν/
شانه ات /τΑραΓ-Μν/	→	شانه ات /τΑραΓ-Μν/
ناخنم /δΜρναΓ-Μμ/	→	ناخنم /δΜρναΓ-Μμ/
پایم /{φΑΓ-Μμ/	→	پایم /{φΑΓ-Μμ/
سگم /χθπε□-Μμ/	→	سگم /χθπε□-Μμ/
دلم /ψρε□-Μμ/	→	دلم /ψρε□-Μμ/
استخوانم /σψμμψ□-ψμ/	→	استخوانم /σψμμψ□-ψμ/
آب دهانم /τψπνρδΖε□-Μμ/	→	آب دهانم /τψπνρδΖε□-Μμ/
بچه ام /υΣΑΓ-Μμ/	→	بچه ام /υΣΑΓ-Μμ/
برای خاک /τορπαΓ-Μν/	→	برای خاک /τορπαΓ-Μν/
سردمه(است) /σΑθυΓ-υμ-δΜ/	→	سردمه(است) /σΑθυΓ-υμ-δΜ/
آغوشم /□υδΖΑΓ-Μμ/	→	آغوشم /□υδΖΑΓ-Μμ/
جلوی من /□ΑβΑΓ-Μμ/	→	جلوی من /□ΑβΑΓ-Μμ/
برای مشک /τυλυΓ-Μν/	→	برای مشک /τυλυΓ-Μν/

$\text{A}\omega\delta\upsilon\Gamma$ / آب دوغ	→	$\text{A}\omega\delta\upsilon\Gamma\text{-M}\mu$ / آب دوغ من
$\text{A}\zeta\text{A}\xi$ / دور	→	$\text{A}\zeta\text{A}\Gamma\text{-A}\mu$ / دورم (دور هستم)
$\text{A}\lambda\tau\text{A}\xi$ / کوتاه	→	$\text{A}\lambda\tau\text{A}\Gamma\text{-A}\mu$ / کوتاهم (کوتاه هستم)
$\lambda\{\chi\}$ / الک	→	$\lambda\{\square\text{-I}\mu$ / الکم (الک من)
$\lambda\text{-}\mu\epsilon\chi$ / آمدن	→	$\lambda\text{-}\mu\epsilon\square\text{-I}\mu$ / آمدنم
$\delta\text{A}\varphi\text{A}\nu\text{-}\mu\text{A}\xi$ / ایستادن	→	$\delta\text{A}\varphi\text{A}\nu\text{-}\mu\text{A}\Gamma\text{-M}\mu$ / ایستادم
$\varphi\text{I}\text{-}\mu\epsilon\chi$ / خوردن	→	$\varphi\text{I}\text{-}\mu\epsilon\square\text{-I}\mu$ / خوردم
$\varphi\upsilon\text{-}\mu\text{A}\xi$ / شستن	→	$\varphi\upsilon\text{-}\mu\text{A}\Gamma\text{-M}\mu$ / شستم

با توجه به داده های فوق، می توان به این نتیجه رسید که همخوانهای بی واک /x/ و /c/ خواه به عنوان واج پایانی ستاک یا تکواژ و خواه به عنوان همخوان پایانی تکواژ مصدرساز، به همخوانهای واکدار متناظر خود، یعنی /Γ/ و /□/ تبدیل می شوند. این تبدیل، در هنگام افزودن پسوندهایی که با واکه شروع می شوند، مانند $\text{-A}\mu$ ، $\text{-I}\mu$ ، $\text{-M}\mu$ ، $\text{-}\upsilon\mu$ ، $\text{-M}\nu$ و ... اتفاق می افتد، بدین صورت که همخوانهای /c/ و /x/ هنگامی که بین دو واکه واقع می شوند، واکدار شده و به /Γ/ و /□/ تبدیل می شوند. لازم به یاد آوری است که /Γ/ در ترکی بیجار، واجگونه ای از /□/ می باشد که در محیط واکه ای (بین دو واکه) ظاهر می شود. از این رو، قاعده زیر را در مورد داده های ۳-۵ می توان نوشت:



۳-۶- داده های مربوط به همگونی در پسوند جمع

$\beta\upsilon\lambda\upsilon\tau+\lambda\text{A}\rho$ / ابر	→	$\beta\upsilon\lambda\upsilon\tau\text{-}\delta\text{A}\rho$ / ابرها
$\chi\text{o}\tau+\lambda\text{A}\rho$ / کت	→	$\chi\text{o}\tau\text{-}\delta\text{A}\rho$ / کت ها
$\text{o}\tau+\lambda\text{A}\rho$ / علف	→	$\text{o}\tau\text{-}\delta\text{A}\rho$ / علف ها
$\tau+\lambda\{\rho\}$ / گوشت	→	$\{\tau\text{-}\delta\{\rho\}$ / گوشت ها
$\beta\text{I}\tau+\lambda\{\rho\}$ / شپش	→	$\beta\text{I}\tau\text{-}\delta\{\rho\}$ / شپش ها
$\text{A}\rho\omega\text{A}\delta+\lambda\text{A}\rho$ / زن	→	$\text{A}\rho\omega\text{A}\delta\text{-}\delta\text{A}\rho$ / زن ها
$\beta\upsilon\delta+\lambda\text{A}\rho$ / ران	→	$\beta\upsilon\delta\text{-}\delta\text{A}\rho$ / ران ها
$\text{A}\delta+\lambda\text{A}\rho$ / اسم	→	$\text{A}\delta\text{-}\delta\text{A}\rho$ / اسم ها
$\nu\{\tau+\lambda\{\rho\}$ / بال	→	$\square\{\nu\{\tau\text{-}\delta\{\rho\}$ / بال ها
$\tau\psi\tau+\lambda\{\rho\}$ / توت	→	$\tau\psi\tau\text{-}\delta\{\rho\}$ / توت ها
$\text{A}\lambda\tau+\lambda\text{A}\rho$ / زیر	→	$\text{A}\lambda\tau\text{-}\delta\text{A}\rho$ / زیرها

پسر /o□λAv+λAp/ →	[o□λAv-vAp]
عروس /□{λIv+λ{p/ →	[□AλIv-v{p]
بینی /βuruv+λAp/ →	[βuruv-vAp]
شکم /□ApMv+λAp/ →	[□ApMv-vAp]
مار /IλAv+λAp/ →	[IλAv-vAp]
دروغ /φAλAv+λAp/ →	[φAλAv-vAp]
شوهر /{p+λ{p/ →	[{p-p{p]
برف /□Ap+λAp/ →	[□Ap-pAp]
زمین /φεp+λ{p/ →	[φεp-p{p]
کر /χ{p+λ{p/ →	[χ{p-p{p]

داده های مجموعه ۳-۶ فرایند همگونی ناقص و کامل را در هنگام افزودن پسوند جمع /λ{p/ و /λAp/ نشان می دهد. بدین صورت که در هنگام افزودن پسوند جمع، کلماتی که همخوان پایانی

آنها دارای مشخصه - کناری است بر همخوان /λ/ در ابتدای پسوند جمع تأثیر گذاشته و

موجب می شوند تا /λ/ در مشخصه نحوه تولید، با همخوان پایانی ستاک یعنی /t/، /d/، /v/ و /p/ همگون شود. با توجه به مثالهای موجود در مجموعه ۳-۶ آشکار است که همخوان ابتدایی پسوند همیشه واکدار می باشد. بنابراین، برای داده های مجموعه مذکور، قاعده زیر صدق می کند:

$$\begin{pmatrix} 6-3 \\ \text{کناری} + \\ \text{کناری} + \end{pmatrix} \xrightarrow{\text{لثوی} +} \begin{pmatrix} \text{کناری} - \\ \text{سایشی} - \\ \text{واکدار} + \end{pmatrix} + \begin{pmatrix} \text{لثوی} + \\ \text{کناری} - \\ \text{سایشی} - \end{pmatrix} = \text{Ar}$$

با توجه به قاعده فوق، صورت آوایی [βuruv-vAp] "بینی ها" از زیرساخت تا روساخت، به صورت زیر می باشد:

بازنمایی زیرساختی
βuruv-λAp#

قاعده هماهنگی واکه ای در مشخصه پسین
βuruv-λAp

قاعده همگونی همخوان /λ/ با همخوان پایانی ستاک در نحوه تولید

بازنمایی روساختی

[βuruvvAp]

۳-۷-۲ داده های مربوط به هماهنگی واکه ای در پسوند ماضی ساز

پسوند ماضی ساز در ترکی بیچار به صورت /-δϖ/ ظاهر می شود. نماد "ϖ" نشان دهنده واکه ای است که با توجه به شخص، شمار و واکه ستاک، متغیر است. به همین دلیل، در داده های زیر، به منظور کم کردن متغیرها فقط از پسوند سوم شخص مفرد استفاده شده است تا هماهنگی واکه ای در پسوند ماضی ساز نمایان تر باشد.

۳-۷-۲	۳-۷-۱
بدوز /ϖIχ/ ▶	دوخت /τIχ-δI/ ▶
بنوش /IτΣ/ ▶	نوشید /IτΣ-δI/ ▶
بگو /δI/ ▶	گفت /δI-δI/ ▶
بگیر /τϖ/ ▶	گرفت /τϖτ-δϖ/ ▶
بشور /φϖ/ ▶	شست /φϖ-δϖ/ ▶
بساز /□ϖρ/ ▶	ساخت /□ϖρ-δϖ/ ▶
بیافت /τψΣ/ ▶	افتاد /τψΣ-δψ/ ▶
بخند /□ψλ/ ▶	خندید /□ψλ-δψ/ ▶
تف کن /τψπρ/ ▶	تف کرد /τψπρ-δψ/ ▶
پاره کن /δZMr/ ▶	پاره کرد /δZMr-δM/ ▶
بزن /ϖMr/ ▶	زد /ϖMr-δM/ ▶
بشکن /ϖMvδMr/ ▶	شکست /σMvδMr-δM/ ▶
پاره کن /□Mr/ ▶	پاره کرد /□Mr-δM/ ▶
بدان /βH/ ▶	دانست /βIλ-δI/ ▶
پاک کن /σIλ/ ▶	پاک کرد /σIλ-δI/ ▶

در داده های ۳-۷-۱ واکه های ستاک، همگی دارای مشخصه [-افراشته] اند و هنگامی که پسوند ماضی ساز سوم شخص مفرد به آنها افزوده می شود، واکه پسوند در مشخصه های [پسین] و [گرد] با واکه ستاک همگون می شود اما در مشخصه [افراشته]، این همگونی اتفاق نمی افتد و واکه پسوند همیشه به صورت [+افراشته] ظاهر می شود.

در مجموعه ۳-۷-۲ واکه های ستاک دارای مشخصه [+افراشته] می باشند بنابراین، هماهنگی به صورت کامل وجود دارد، بدین صورت که واکه موجود در پسوند ماضی ساز در سه مشخصه [پسین]، [گرد] و [افراشته] با واکه ستاک هماهنگ می شود. بدین ترتیب، قاعده زیر را برای هر دو مجموعه فوق می توان نوشت:

$$\left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{۳-۷} \end{array} \right) \xrightarrow{-} \left(\begin{array}{c} \text{پسین} \\ \text{افراشته} \end{array} \right) / \left(\begin{array}{c} \alpha \\ \beta \end{array} \right) \left(\begin{array}{c} \text{همخوانی} \\ \text{پسین} } \right) \xrightarrow{+} \left(\begin{array}{c} \text{C} \\ \text{β گرد} \end{array} \right) \#$$

همانگونه که در قاعده نیز مشخص است، واکه موجود در پسوند ماضی ساز دارای مشخصه [+ فراشته] است و مشخصه های پسین و گردی آن در بافت تعیین می شود. یعنی بستگی به واکه های ستاک در دو مشخصه [پسین] و [گردی] دارد.

۴- نتیجه گیری

با توجه به مجموعه داده های ارائه شده در این تحقیق و تحلیل آنها چنین برمی آید که قواعدی مانند هماهنگی واکه ای و همگونی همخوان با واکه، از فرایندهای پرسیامد در زبان ترکی بیجار می باشد. همچنین ترکی بیجار در برخورد با واژگان قرضی همانند زبانهای دیگر، موضع گیری مشخص و قاعده مندی دارد که نمونه آن در کلمات قرضی که دارای خوشه همخوانی پایانی بودند بررسی شد. این بررسی نشان داد که کلمات قرضی، وقتی وارد زبان ترکی می شوند، خود را با ساخت هجای زبان ترکی هماهنگ می کنند و آرایش هجایی این زبان را می پذیرند.

هدف نویسندگان مقاله حاضر، ارائه تمام فرایندهای واجی ترکی بیجار نبوده است، بلکه مبنای کار، آن بوده تا برخی از فرایندهای پرسیامد مطرح شود. در این مقاله، هفت نوع فرایند واجی پرسیامد در زبان ترکی بیجار مورد مطالعه قرار گرفته است. هماهنگی واکه ای، همگونی همخوان با واکه، درج واکه و تبدیل همخوانهای بی واک پایانی به واکدار در موضع بین دو واکه، از مهم ترین این فرایندها به شمار می روند.

ترکی از جمله زبانهایی است که دارای فرایندهای واجی متنوع است بنابراین، عرصه برای تحقیق و بررسیهای فراوان و جدی باز است و با توجه به وجود گویشوران زیاد این زبان در کشور ما، این امر ممکن می نماید.

کتابنامه

منابع فارسی:

- ۱- ثمره، یداله (۱۳۷۸)، آواشناسی زبان فارسی، چ پنجم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲- حق شناس، علی محمد (۱۳۸۰)، آواشناسی (فونوتیک)، چ هفتم، تهران، انتشارات آگاه.
- ۳- حسابگر، حسن (۱۳۷۰)، نظام آوایی زبان ترکی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴- رضایی باغ بیدی، حسن (۱۳۸۰)، معرفی زبانها و گویشهای ایران، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به مناسبت نخستین همایش گویش شناسی.
- ۵- روحانی علیرضا (۱۳۷۸)، فعل مرکب در زبان ترکی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

- ۶- کامبوزیا، عالییه، ک.ز. (۱۳۸۲)، "ساخت اسمهای تحبیبی در زبان انگلیسی"، *مجله زبان و ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان*، س ۱، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۳۱
- ۷- محمد نژاد، شمسی (۱۳۸۰)، *بررسی اسم مرکب و مشتق در زبان ترکی آذری*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- ناصح، محمد امین (۱۳۸۰)، *فهرست پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری در زمینه گویشهای ایران*، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۹- نوروزی زیدهی، طاهره (۱۳۷۸)، *بررسی فرایندهای واجی گویش گیلکی رشت در چارچوب واج شناسی خود واحد*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۰- وزین پور، نادر (۱۳۴۸)، *ساختمان فعل در ترکی آذری*، تهران، چاپخانه چهر.
- ۱۱- هیئت، جواد (۱۳۶۶)، *سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی*، چ دوم، تهران، نشر نو.

منابع انگلیسی:

- 12- Clauson, G. (2002) **Studies in Turkic and Mongolic linguistics**, London, Routledge Curzon.
- 13-Crystal, D. (1989) **The Cambridge encyclopedia of language**, New york, Cambridge university press.
- 14- Katamba, F. (1993) **Morphology**, London, Macmilian press.
- 15-Kenstowicz, M. (1994) **Phonology in generative grammar**, Oxford, Blackwell.
- 16-Kornfilt, J. (1987) "Turkish and the Turkic languages", in B. comrie (ed). **The world's major language**, London, Roultedge. pp. 619-44.
- 17-Lass, R. (1998) **phonology**, Cambridge University press.
- 18-Laver, J. (1995) **Principles of phonetics**, Cambridge University press New york.
- 19-Lyons, J. (1962) "Phonemic and non phonemic phonology": some typological reflections. **International journal of American linguistics**, 28:127-33; reprinted in W.E. Jones and J.Laver (eds) *phonetics in linguistics: a book of readings*, London: Longman.
- 20-Maryami, M. (1995) **A contrastive study of Azarbaijani Turkish and Persian sound system**, M.A.thesis, linguistics. TMU.